

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۴/۲۱

تاریخ بررسی مقاله: ۹۰/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۰۲/۳۰

دو فصلنامه مشاوره کاربردی
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۹۰،
دوره‌ی اول، سال اول، شماره‌ی ۲
ص ص: ۷۲-۵۱

نقش دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و اسناد بر گذشت همسران: آزمودن یک مدل میانجی

رضا خجسته‌مهر*، امین کرایبی**، ذبیح‌اله عباس‌پور**،
رحیم کوچکی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی یک مدل مفهومی در مورد نقش دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و اسنادهای علی و مسئولیت بر میزان گذشت در روابط زنان و مردان متأهل می‌باشد. ۳۹۸ زن و مرد متأهل (۱۹۸ مرد و ۲۰۰ زن) از میان کلیه مردان و زنان متأهل شهر اهواز با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه از مقیاس گذشت صفت (TFS)، مقیاس اسناد ارتباطی (RAM) و پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) استفاده شد. ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از تحلیل مسیر و بر اساس نرم‌افزار AMOS/۱۶ انجام گرفت. مدل ارزیابی شده از شاخص‌های برازندگی خوبی برخوردار بود. بر اساس نتایج مدل تحلیل مسیر در کل نمونه، دلبستگی اجتنابی پایین هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسئولیت باعث افزایش گذشت و دلبستگی اضطرابی پایین نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای علی و مسئولیت موجب ارتقای گذشت می‌شود.

کلید واژه‌ها: گذشت، اسنادهای علی، اسنادهای مسئولیت، دلبستگی اضطرابی، دلبستگی اجتنابی

* دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، (نویسنده مسئول)،

Email: khojasteh_r@scu.ac.ir

تلفن: ۰۶۱۱-۳۷۳۸۳۳۸

** دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران

مقدمه

بروز تعارض در روابط نزدیک و صمیمی یک حقیقت اجتناب ناپذیر است و ازدواج نیز از این مسأله مستثنی نیست. تعاملات مختلف و تکراری زوجین، سکوی پرتاب نامحدودی برای این تعارضها است (گاتمن و لونسون^۱، ۱۹۸۸، به نقل از هانگ لیم^۲، ۲۰۰۰). تقریباً همه‌ی زوج‌ها گاهی در ارتباط‌های خود با یکدیگر تعارض را تجربه می‌کنند که با خصومت، تنش، نافرمانی و هم‌ستیزی^۳ همراه است (کلین، جولین، باکوم، هارتمن، گیلبرت و همکاران^۴، ۲۰۰۴). تعارض‌های حل نشده نه تنها باعث شناخت‌ها، احساس‌ها و رفتارهای منفی نسبت به فرد آسیب‌رسان می‌شود، بلکه با کاهش تفکر جامعه‌یار^۵ و کاهش احساس پیوند داشتن با دیگران، بر روابط بین‌فردی تأثیر می‌گذارد (کارامانز، ون لانگ و هالند^۶، ۲۰۰۵).

آنهایی که دوستشان داریم، کسانی هستند که به احتمال زیاد به آن‌ها آسیب می‌رسانیم. وقتی در روابط نزدیک و صمیمانه، آسیب‌ها و خطاهای بین‌فردی پیش می‌آید، می‌تواند احساس‌های منفی زیادی را ایجاد کنند و باعث فروپاشی روابط شوند. گذشت^۷، راهی برای مقابله با چنین آسیب‌های بین‌فردی است و با پیامدهای مثبت کوتاه مدت و بلند مدت همراه است. زوج‌هایی که ازدواج بادوام و بلندمدتی داشته‌اند، عنوان کردند که تمایل به گذشت کردن و مورد گذشت واقع شدن، یکی از مهم‌ترین عواملی بوده که موجب رضایت زناشویی و دوام ازدواج آن‌ها بوده است (فنل^۸، ۱۹۹۳). وقتی افراد، فرد آسیب‌رسان را می‌بخشند، احساس نفرت و سایر احساس‌های منفی خود را رها می‌کنند و از هر گونه انگیزه‌ای که به آسیب‌رسان آسیب برساند، جلوگیری می‌کنند. سرانجام آن‌ها نه تنها ضرورتی نمی‌بینند که از آن شخص اجتناب کنند، بلکه دوست دارند رابطه‌ی خود را ادامه دهند (ونزل و اوکیموتو^۹، ۲۰۱۰). با توجه به این که تعاریف مختلفی از گذشت ارائه شده است، مک‌کلوگ، پارگامنت و

-
- 1- Gottman, & Levenson
 - 2- Hong Lim
 - 3- controversy
 - 4- Kline, Julien, Baucom, Hartman, Gilbert, et al.
 - 5- prosocial
 - 6- Karremans, Van Lange, & Holland
 - 7- forgiveness
 - 8- Fenell
 - 9- Wenzel, & Okimoto

تئورثون^۱ (۲۰۰۰) معتقدند که در همه تعاریف رایج شده، این ویژگی مرکزی وجود دارد: وقتی افراد گذشت می‌کنند، پاسخ‌های آن‌ها به دیگران (چیزی که در مورد آن فکر می‌کنند، در مورد آن احساس می‌کنند، می‌خواهند انجام دهند یا انجام می‌دهند) مثبت‌تر می‌شود و پیامدهای منفی رفتارهای آن کمتر می‌شود. صرف نظر از این تعاریف، پژوهش‌ها نشان داده که گذشت مزایای زیادی از جمله، ارتقاء شبکه اجتماعی و کسب حمایت اجتماعی (کوک^۲، ۲۰۰۶)، افزایش اعتماد و مصالحه در روابط، بهبود سلامت روان و سلامت جسمانی و کاهش عواطف منفی دارد (فینکل، راسبالت، کاماشیرو و هانون^۳، ۲۰۰۲؛ توسسنت و وب^۴، ۲۰۰۵؛ وورثینگتون^۵، ۲۰۰۵).

ما مایل هستیم علل زیربنایی رفتار خود و دیگران را بفهمیم، تا دقیقاً دریابیم که چرا خود یا دیگران تحت شرایط خاص به شیوه‌های مشخص و معین عمل می‌کنیم، این فرایند را "اسناد"^۶ می‌گویند. بر اساس این نظریه، انسان‌ها آگاهانه و ناآگاهانه دائماً به دنبال علت رفتار خود و دیگران هستند. الگوی اسناد بر ادراک فرد از یک رویداد و واکنش وی نسبت به آن تأثیر می‌گذارد (گاتمن، ۱۹۹۲، به نقل از خجسته‌مهر، ۱۳۸۴). راتمن^۷ (۱۹۹۷)، به نقل از رمل^۸، (۲۰۰۳) معتقد است اولین مرحله‌ی شکل‌گیری یک چرخه تعارض، سرزنش^۹ (مقصر دانستن) دیگران است. سرزنش، ناشی از اسنادهای مسئولیت و فرافکنی‌هایی است که فرد نسبت به عمل اشتباه خود یا دیگری شکل می‌دهد. سیلارز^{۱۰} (۱۹۸۰)، به نقل از رمل (۲۰۰۳) اسنادها را از عوامل مرکزی تعارض می‌داند و معتقد است روش‌ها یا فنونی که افراد در یک تعامل متعارض به کار می‌گیرند، بر اساس "اسنادها در مورد قصد و نیت همسر در آن تعارض، تمرکز بر مسئولیت برای آن تعارض، و دوام آن تعارض" هستند. اسنادهایی که ما نسبت به رفتارهای دیگران شکل می‌دهیم، بر چگونگی تفسیر ما از رفتارهای دیگران در آینده

- 1- McCullough, Pargament, & Thoresen
- 2- Cooke
- 3- Finkle, Rusbult, Kumashiro, & Hannon
- 4- Toussaint, & Webb
- 5- Worthington
- 6- attribution
- 7- Rothman
- 8- Remple
- 9- blame
- 10- Sillars

مؤثر می‌باشد.

بر اساس الگوی اجتماعی- روان‌شناختی^۱ مک‌کلوگ، راشل، سانداچ، وورثینگتون، برون و هایت^۲ (۱۹۹۸)، متغیرهای اجتماعی- شناختی که مرتبط با چگونگی شیوه تفکر و احساس فرد آسیب‌دیده در مورد فرد خاطی و آسیب هستند، نزدیک‌ترین عوامل تعیین‌کننده گذشت کردن هستند که اسنادها از جمله آنهاست. نظریه‌های اسناد علی اجتماعی- روانی به دنبال شناسایی قواعد شناختی هستند که به وسیله‌ی این قواعد، افراد عادی در مورد علّیت رفتار دیگران تصمیم می‌گیرند (هوستون^۳، ۱۹۸۹، به نقل از راجکی، راسموسن و کونر^۴، ۲۰۰۷). نظریه‌های مرتبط با اسنادهای علی، سوگیری‌های اساسی مهمی را در ادراک‌ها و ارزیابی‌های اجتماعی افراد نشان می‌دهد (سیرز^۵، ۱۹۸۳، به نقل از راجکی و همکاران، ۲۰۰۷). اسناد علی^۶ نشان می‌دهد که زوج‌ها بسیار تمایل دارند، نشان دهند که چه چیزی یا چه کسی باعث مشکل شده است، در حالی که اسناد مسئولیت^۷ نیز نشان می‌دهد که زوج‌ها تمایل دارند که رفتارهای دیگری را عمدی، خودخواهانه و مقصّر جلوه بدهند (هایدر^۸، ۱۹۵۸، به نقل از سیف، ۱۳۸۸). بیشتر معنایی که زوج‌ها برای رفتار یکدیگر به کار می‌گیرند، اسنادها یا تبیین‌هایی است که برای رفتار شکل داده‌اند. افراد وابسته به هم، علاقه زیادی به تبیین رفتار یکدیگر دارند. هر یک می‌خواهند بدانند که طرف مقابل واقعاً چه چیزی را دوست دارد، چطور انتظار او را در آینده برآورده می‌کند و تحت چه شرایطی رفتارش را تغییر می‌دهد. علاوه بر این، انگیزه‌ی تبیین، پیش‌بینی و تفسیر رویدادهای بین فردی، زمانی که آنها منفی، مهم و مربوط به خود هستند، افزایش می‌یابد (واینر^۹، ۱۹۸۵، به نقل از برادبوری و فینچام^{۱۰}، ۱۹۹۰). نقش این اسنادها زمانی برجسته‌تر می‌شود که زوج‌ها سهواً یا عمداً به یکدیگر آسیب می‌رسانند.

1- social-psychological model

2- McCullough, Rachal, Sandage, Worthington, Brown, & Hight

3- Hewstone

4- Rajecki, Rasmussen, & Conner

5- Sears

6- causal attribution

7- Responsibility attribution

8- Hider

9- Weiner

10- Bradbury, & Fincham

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، داشتن یک پیوند عاطفی ایمن (دلبستگی ایمن) با کسانی است که به او نزدیک هستند. این نیاز و همچنین ترس از فقدان و تنهایی که همراه با آن است، بر رویدادهای روابط همسران تأثیر می‌گذارد. هزن و شیور^۱ (۱۹۹۴)، به نقل از خجسته‌مهر، (۱۳۸۴) دلبستگی^۲ را نظامی می‌دانند که خود را در روابط عاشقانه بزرگسالی نیز بروز می‌دهد. آن‌ها سه سبک اصلی دلبستگی بزرگسالی را تعریف می‌کنند: ایمن، مضطرب/ دوسوگرا، و اجتنابی. سبک دلبستگی ایمن بزرگسالی با دلبستگی عاطفی ایمن مشخص می‌شود. افراد دلبسته ایمن بیشتر احتمال دارد که خود را دوست داشتنی و خوش مشرب بدانند، قادر باشند درماندگی خود را اعلام کنند و درخواست حمایت کنند، و به نحو سازنده‌ای احساس‌های منفی خود را در حل مسأله تعدیل کنند. برعکس، سبک مضطرب/ دوسوگرا با وابسته بودن، محتاج بودن و احساس‌های دوسوگرا در درون رابطه مشخص می‌شود. ویژگی‌های دیگر شامل سطح بالای اضطراب، وسواس در مورد همسر یا مشغولیت ذهنی در مورد او و تردید در مورد خود می‌شوند. سبک اجتنابی دلبستگی بزرگسالان با تکیه به خود و فاصله عاطفی مشخص می‌شود. فردی که به شکل اجتنابی دلبسته شده است احساس ناایمنی را مخفی می‌کند، از صمیمت می‌ترسد، درماندگی را از خود می‌راند، خصمانه‌تر است، و نسبت به طرد شدن حساس‌تر است (کوباک و سیری^۳، ۱۹۸۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند دلبستگی می‌تواند بر احتمال گذشت کردن تأثیر داشته باشد. به خصوص، بعضی از افراد غالباً این نگرانی را دارند که بالاخره طرد خواهند شد. در نتیجه، آن‌ها نسبت به مشکلات و سختی‌هایی که در رابطه خود با آن مواجه می‌شوند، حساسند و حتی تعارض‌های جزئی باعث نشخوارهای ذهنی^۴ چشمگیری در آن‌ها می‌شود. این نشخوارهای ذهنی می‌تواند مانع گذشت شود. در مقابل، کسانی که تمایل ندارند با دیگران روابط نزدیک و صمیمانه‌ای داشته باشند، برای صمیمی شدن با دیگران، به خصوص در موقعیت‌های پر استرس، احساس خوشایندی ندارند. این همدلی محدود، مانع گذشت می‌شود (بورنت، دیویس، گرین، وورثینگتون و براد فیلد^۵، ۲۰۰۹).

1- Hazan, & Shaver

2- attachment

3- Kobak, & Sceery

4- rumination

5- Burnette, Davis, Green, Worthington, & Bradfield

محورهای مشترک مهمی بین نظریه دلبستگی و گذشت وجود دارد. هم دلبستگی و هم گذشت سازه‌هایی مثل اعتماد، ارتباطات، همدلی و تنظیم هیجان را در بر می‌گیرند و هر دو شامل مجموعه‌ی پیچیده‌ای از تغییرات روان‌شناختی هستند که بر خود و دیگران تمرکز دارد. برای مثال، برای رسیدن به گذشت، غالباً افراد باید با همدلی پاسخ دهند و بر احساس تردید به خود، گناه و خشم غلبه کنند (انرایت^۱، ۲۰۰۱). در چنین موقعیت‌های پرتعارضی، فرایند گذشت می‌تواند با دلبستگی ناایمن دچار اختلال شود یا سرکوب و متوقف شود (گیلات، شاور و میکولینسر^۲، ۲۰۰۵). نگرانی‌های افراد ناایمن، منابع ذهنی آن‌ها را دورتر از آن می‌برد که بتوانند فرد آسیب‌رسان را درک کنند یا هیجان خود را تنظیم کنند (میکولینسر و شاور، ۲۰۰۵). در مقابل، حس دلبستگی ایمن، نیاز به خود حمایتی^۳ و خودافزایی^۴ در افراد را کاهش می‌دهد و به افراد اجازه می‌دهد که منابع خود را تغییر دهند، و این منابع درک دیدگاه دیگران و تنظیم هیجان هستند که دو ساز و کار اساسی در فرایند گذشت کردن به شمار می‌روند (پالیری، رگالیا^۵ و فینچام، ۲۰۰۵).

کولینز^۶ (۱۹۹۶) برای تبیین رویدادهایی که در روابط زوج‌ها پیش می‌آید، از مدل‌های کارآمد خود و دیگران^۷ استفاده کرد. یافته‌های او از این فرضیه حمایت کرد که سبک‌های دلبستگی، رویدادهای مربوط به دلبستگی را به شیوه‌ای تبیین می‌کند که با الگوهای خود و دیگران همخوانی دارد. یافته‌ها نشان داد افرادی که به عنوان ایمن شناخته می‌شوند (کسانی که نسبت به صمیمیت و وابسته بودن به همسرشان احساس راحتی بیشتری دارند و اضطراب کمتری دارند) تمایل دارند حوادثی را که در زوج‌ها خود و همسرشان روی می‌دهد، به گونه‌ای تفسیر کنند که اثرهای منفی آن حادثه را کمتر کنند و باورهای مثبتی را نسبت به رفتار همسرشان نشان دهند. به احتمال زیاد، افرادی که دلبستگی اضطرابی بیشتری دارند (در مقیاس‌های صمیمیت، وابستگی و اجتناب نمره‌های کمتری می‌گیرند)، اسنادهای منفی را

-
- 1- Enright
 - 2- Gillath, Shaver, & Mikulincer
 - 3- self-protection
 - 4- self-increasing
 - 5- Paleari, & Regalia
 - 6- Collins
 - 7- working models of self and others

نسبت به رفتارهای همسر خود شکل می‌دهند و همسرشان را غیر قابل اطمینان و بی‌مسئولیت می‌دانند. کولینز (۱۹۹۶) همچنین به بررسی قصد مجازات کردن^۱ فرد خاطی، به عنوان یکی از عناصر مهم گذشت پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد احتمال بیشتری وجود دارد افرادی که دلبستگی ایمن دارند، سبک‌های اسنادی مثبت‌تری داشته باشند و افرادی که دلبستگی ناایمن دارند، اسنادهای منفی‌تری را تشکیل دهند و در روابط خود، انگیزه‌های منفی را نشان دهند. گرین و همکاران (۲۰۰۸) مدلی ارائه دادند که در آن فرض شده بود اسنادها، میانجی^۲ سبک روابط (شخص آسیب دیده و شخص ثالث) و گذشت هستند. نتایج این پژوهش نشان داد که اشخاص ثالث در مقایسه با دوست صمیمی آسیب‌دیده‌شان، گذشت کمتری را نسبت به فرد آسیب رسان نشان می‌دهند. همچنین نتایج نشان داد که اسنادها، میانجی اثر گذشت شخص ثالث هستند.

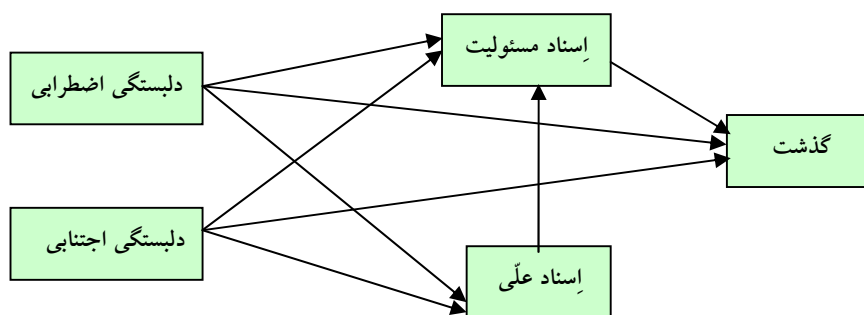
کاجادوریان، فینچام و داویلا^۳ (۲۰۰۴) بیان کردند که افراد با الگوهای مثبت دیگران (دلبستگی) احتمالاً گذشت بیشتری دارند، زیرا تمایل زیادی دارند که اسنادهای بهتری در مورد رفتارهای همسر خود داشته باشند و همچنین به شیوه‌ای رفتار کنند که باعث پیشبرد یا تقویت روابط صمیمانه شود. برعکس افرادی که الگوهای منفی از دیگران دارند، احتمالاً گذشت کمتری دارند، چرا که در هنگام آسیب فکر می‌کنند همسرشان غیر قابل اعتماد و بی‌ارزش است.

فریزن، فلچر و اُورال^۴ (۲۰۰۵) بین گذشت درونی^۵ و گذشت ابراز شده^۶ تمایز قائل شدند و نشان دادند که سطوح بالای گذشت ابراز شده با سطوح پایین روابط رضایت‌بخش رابطه دارد. آن‌ها نشان دادند مردان و زنانی که در سطوح بالای گذشت ابراز شده هستند، سبک‌های اسنادی منفی دارند و میزان گذشت همسرشان را از آنچه که واقعاً هست، کمتر می‌بینند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت رابطه و اسناد، گذشت را پیش‌بینی می‌کنند.

-
- 1- intention to punish
 - 2- moderator
 - 3- Kachadourian, & Davila
 - 4- Friesen, Fletcher, & Overall
 - 5- internal forgiveness
 - 6- expressed forgiveness

ادواردز^۱ (۲۰۰۷) نشان داد که دل بستگی ایمن با گذشت بالا رابطه دارد. اثر غیرمستقیم دل بستگی ایمن بر گذشت از طریق احساس‌های سازگارانه همدلی و تعارض نسبت به آسیب رسان هم تأیید شد (اثر میانجی). همچنین افرادی که دل بستگی ناایمن دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که به وسیله‌ی تعارض تهدید شوند، همدلی کمتری را نسبت به آسیب‌رسان نشان دهند، گذشت کمتری را در برابر آسیب‌های همسر خود نشان دهند و از روابط عاشقانه‌ی خود رضایت کمتری داشته باشند. خجسته‌مهر، کرابی و رجیبی (الف، ۱۳۸۹) نشان دادند اسنادهای علی به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای مسئولیت و همدلی موجب ارتقای گذشت، اسنادهای مسئولیت نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه‌ی همدلی، باعث افزایش گذشت و کیفیت مثبت زناشویی، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسئولیت باعث افزایش گذشت می‌شوند.

بازنگری ادبیات پژوهشی از یک سو، بیانگر رابطه اسنادهای ارتباطی (مک‌کلوگ و همکاران، ۱۹۹۸a) و سبک‌های دل بستگی (بورت و همکاران، ۲۰۰۹؛ پالیری و همکاران، ۲۰۰۵) با گذشت است. از سوی دیگر با توجه به پیشنهاد برخی پژوهشگران مبنی بر احتمال وجود نقش میانجی اسنادهای علی و مسئولیت در رابطه بین دل بستگی اضطرابی و اجتنابی با گذشت (کاچادوریان و همکاران، ۲۰۰۴) است. بدین‌سان پژوهش حاضر با هدف ارزیابی الگوی مفهومی زیر با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت. به عبارت دیگر، مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا الگوی پیشنهادی مربوط به اثر مستقیم و غیرمستقیم دل بستگی اجتنابی و اضطرابی بر گذشت براننده‌ی داده‌ها می‌باشد؟



شکل ۱. الگوی پیشنهادی اثر مستقیم و غیرمستقیم دل بستگی بر گذشت

بر اساس الگوی فرض شده (شکل ۱)، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱) دلبستگی اضطرابی اثر منفی مستقیم بر گذشت دارد، ۲) دلبستگی اجتنابی اثر منفی مستقیم بر گذشت دارد، ۳) دلبستگی اضطرابی به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای علی و مسئولیت بر گذشت تأثیر منفی دارد، ۴) دلبستگی اجتنابی به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای علی و مسئولیت بر گذشت تأثیر منفی دارد، ۵) اسنادهای مسئولیت اثر مثبت مستقیم بر گذشت دارد و ۶) اسنادهای علی به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای مسئولیت بر گذشت تأثیر مثبت دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحلیل مسیر^۱ است که به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بر گذشت از طریق اسنادهای مسئولیت و علی می‌پردازد. جامعه آماری در این پژوهش مردان و زنان متأهل شهر اهواز می‌باشد که در نیمه اول سال ۱۳۸۹ در این شهر زندگی می‌کردند. ۴۰۰ نفر شامل ۲۰۰ مرد و ۲۰۰ زن با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و با توجه به جدول تعیین حجم نمونه (کرجسی و مورگان^۲، ۱۹۷۰) از طریق حضور در محل سکونت آن‌ها شناسایی و انتخاب شدند که تعداد ۱۹۸ مرد و ۲۰۰ زن به ابزارهای پژوهش به صورت کامل پاسخ دادند. با توجه به گستردگی جامعه پژوهش، برای اجرای پژوهش و انتخاب نمونه، ابتدا شهر اهواز به چهار منطقه‌ی شمال شرق، شمال غرب، جنوب شرق و جنوب غرب تقسیم شد و سپس از هر منطقه ۱۰ خیابان انتخاب شد. در مرحله نهایی از هر خیابان تعداد ۲ تا ۳ کوچه اصلی انتخاب و از هر کوچه به صورت تصادفی ساده تعداد ۴ یا ۵ خانوار برای پاسخگویی به پرسشنامه انتخاب و پرسشنامه در اختیار یکی از زوج‌ها قرار داده شد. آزمودنی‌ها پرسشنامه‌ها را از پژوهشگران تحویل گرفته و در اسرع وقت تکمیل و برگرداندند که در مجموع از ۴۵۰ مورد مراجعه تعداد ۳۹۸ پرسشنامه تکمیل گردید. پس از تکمیل از طرف پژوهشگران نیز هدایایی به شرکت کنندگان اهدا شد. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۴۰/۳۸ و ۶/۱۲ سال می‌باشد که در دامنه‌ای

1- path analysis

2- Krejcie, & Morgan

بین ۲۴ تا ۵۸ سال قرار داشتند. طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان با میانگین ۱۶/۱۳ و انحراف استاندارد ۵/۱۲ سال و میانگین و انحراف استاندارد تحصیلات آن‌ها به ترتیب ۱۲/۵۲ و ۳/۱۴ کلاس می‌باشد. همچنین سعی شد که تنوع قومی و زبانی اعضای نمونه، با توجه به نسبت آن‌ها در جامعه رعایت شود.

ابزار

۱- **مقیاس گذشت صفت^۱ (TFS)**. این مقیاس توسط بری، وورثینگتون، اکونر، پاروت و وات^۲ (۲۰۰۵) ساخته شده که برای اولین بار در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (الف، ۱۳۸۹) به فارسی ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است که تمایل پاسخ‌دهندگان به گذشت آسیب‌های بین‌فردی در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف را نشان می‌دهد (مثال: من می‌توانم برای هر اشتباهی که پیش می‌آید، همسر را ببخشم). نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت در پنج درجه‌ی کاملاً موافقم (۵)، کمی موافقم (۴)، نه موافقم نه مخالفم (۳)، کمی مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) می‌باشد که نمره‌های بالاتر، گذشت بیشتر را نشان می‌دهد. بری و همکاران (۲۰۰۵) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس را در چهار مرحله از ۰/۷۴ تا ۰/۸۰؛ خجسته‌مهر و همکاران (ب، ۱۳۸۹) ۰/۸۰ محاسبه کردند. بری و همکاران (۲۰۰۵) ضریب روایی این مقیاس را با استفاده از رابطه‌ی بین درجه‌بندی گذشت خود و گذشت دیگران معنادار ($p < 0/05$) و خجسته‌مهر و همکاران (ب، ۱۳۸۹) نیز روایی همزمان آن را با استفاده از مقیاس گذشت خانواده^۳ (FFS) ۰/۶۳ ($P < 0/001$) گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این ابزار ۰/۷۸ به دست آمده است.

۲- **مقیاس اسناد ارتباطی^۴ (RAM)**. این مقیاس به بررسی، توضیح و تبیین رفتارهای همسران اختصاص دارد و دلایل مشکلات موجود بین آنان را توضیح می‌دهد. این مقیاس توسط فینچام و برادبوری (۱۹۹۲) تهیه شده و فرم اصلی آن دارای ۲۴ سؤال به صورت خودگزارشی می‌باشد که دو بُعد اسناد علی و مسئولیت را می‌سنجد (خجسته‌مهر، غفاری و

1- Trait Forgivingness Scale

2- Berry, Worthington, O'Coner, Parrott, & Wade

3- Family Forgiveness Scale

4- Relationship Attribution Measurement

کرایبی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۶ سؤالی این مقیاس استفاده شد که ۳ سؤال آن مربوط به بُعد علی (مثال: شوهرم عمداً از من انتقاد می‌کند نه سهواً) و ۳ سؤال آن مربوط به بُعد مسئولیت (مثال: شوهرم به خاطر انتقاد از من سزاوار سرزنش است) و نمره‌گذاری آن به صورت لیکرت در شش درجه‌ی کاملاً موافقم (۱)، موافقم (۲)، تاحدودی موافقم (۳)، تاحدودی مخالفم (۴)، مخالفم (۵) و کاملاً مخالفم (۶) می‌باشد که نمره‌های بالاتر، اسنادهای علی و مسئولیت کمتر را نشان می‌دهد. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی فرم کوتاه این مقیاس را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای بُعد علی و مسئولیت به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۸، برای مردان و ۰/۸۴ و ۰/۸۵ برای زنان و خجسته‌مهر و همکاران (الف) (۱۳۸۹) این ضرایب را برای ابعاد علی و مسئولیت به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۸۳ محاسبه کردند. آن‌ها، همچنین ضریب روایی همزمان این مقیاس با ۱۰ سؤال خرده مقیاس ارتباطات در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (ENRICH) برای بُعد علی و بُعد مسئولیت به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۵۸ ($P < ۰/۰۰۱$) به دست آوردند. در این مطالعه، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس در بُعد علی ۰/۷۹ و در بُعد مسئولیت ۰/۸۰ محاسبه شد.

۳- پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک^۲ (ECR-R). این پرسشنامه که جدیدترین پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان است، توسط فرالی، والر و برینان^۳ (۲۰۰۰) ساخته شد که نسخه تجدیدنظر شده ECR (برینان، کلارک، و شیور^۴، ۱۹۹۸) است. ECR و ECR-R دو بُعد نهفته یعنی اضطراب و اجتناب که تصور می‌شود زیربنای ساختار دلبستگی است را اندازه می‌گیرند، ولی ECR-R اطلاعات بیشتری فراهم می‌کند و دقیق‌تر است (فرالی و همکاران، ۲۰۰۰). در این پژوهش از ECR-R ۳۶ ماده‌ای که دارای دو مقیاس اضطرابی (۱۸ ماده) و اجتنابی (۱۸ ماده) است، استفاده شد. بُعد اضطرابی این پرسشنامه میزان ایمنی و نایمنی فرد از حضور و پاسخگویی همسر (مثال: اغلب نگران این هستم که همسرم نخواهد با من بماند) و بُعد اجتنابی میزان ایمنی (راحت بودن) و نایمنی فرد از نزدیک شدن به همسر را اندازه می‌گیرد (مثال: وقتی همسرم خیلی به من نزدیک می‌شود آشفته می‌شوم). نمره‌گذاری

1- Enriching and Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness

2- The Experiences in Close Relationships-Revised questionnaire

3- Fraley, Waller, & Brennan

4- Clark, & Shaver

این پرسشنامه به صورت لیکرت در یک مقیاس ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) می‌باشد. برای به دست آوردن نمره‌ی دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی جمع نمره‌های فرد در هر دل‌بستگی بر عدد ۱۸ (تعداد سؤال‌های هر مقیاس) تقسیم می‌شود. در پژوهش فرالی (۲۰۰۵) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه، همبستگی‌های بیشتر از ۰/۷۰ را در طول یک دوره ۸ هفته‌ای نشان داد، و مقادیر آلفای کرونباخ با استفاده از روش نظریه پرسش-پاسخ^۱ (IRT) برای مقیاس‌های اضطرابی و اجتنابی بالاتر از ۰/۹۰ گزارش شده است. خجسته‌مهر (۱۳۸۴) ضرایب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در دامنه‌ای بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ محاسبه کرد. وی همچنین روایی ملاکی همزمان این پرسشنامه ECR-R را با استفاده از همبسته نمودن با قسمت دوم مقیاس سه مقوله‌ای هزن و شیور (۱۹۹۰) یعنی بخش اضطرابی و اجتنابی معنی‌دار گزارش کرد ($p < 0/05$). در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های اضطرابی ۰/۸۵ و اجتنابی ۰/۸۳ محاسبه گردید.

یافته‌ها

جدول ۱ ضرایب همبستگی دومتغیری، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیرهای دل‌بستگی اضطرابی، اجتنابی، اسنادهای علی و مسئولیت و گذشت در کل نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی دومتغیری، میانگین و انحراف استاندارد متغیرها در کل آزمودنی‌ها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	میانگین	انحراف استاندارد
۱ دل‌بستگی اضطرابی	-	۰/۵۵**	-۰/۴۱**	-۰/۵۴**	-۰/۴۶**	۲/۱۸	۱/۱۸
۲ دل‌بستگی اجتنابی	-	-	-۰/۳۷**	-۰/۵۲**	-۰/۵۳**	۲/۲۵	۱/۰۱
۳ اسناد علی	-	-	-	۰/۵۰**	۰/۲۹**	۱۱/۰۹	۳/۱۲
۴ اسناد مسئولیت	-	-	-	-	۰/۵۴**	۱۳/۵۲	۳/۷۱
۵ گذشت	-	-	-	-	-	۳۶/۵۱	۸/۰۴

** = $p < 0/001$

1- Item Response Theory

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، همه‌ی ضرایب همبستگی ذکر شده بین متغیرها در سطح $P < 0/001$ معنادار می‌باشند. همچنین، میانگین و انحراف استاندارد کلیه متغیرها قابل درج جدول شده‌اند.

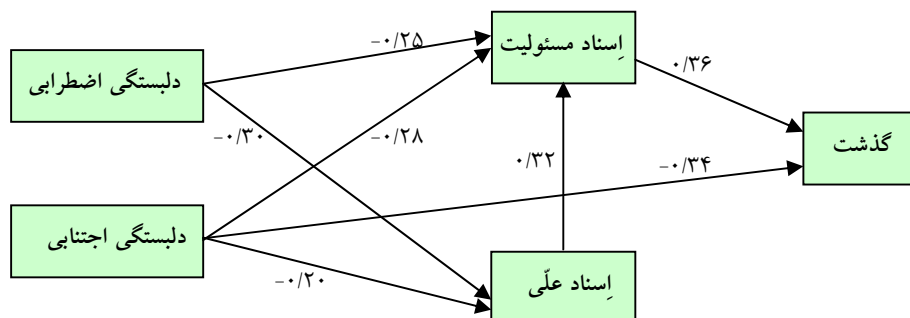
پیش از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. نتایج، تناسب الگوی اصلی را به صورت معنادار نشان داد. لازم به ذکر است که تنها مسیر مستقیم دلبستگی اضطرابی به گذشت معنی‌دار نبود که مسیر مورد نظر در الگوی نهایی حذف شد.

جدول ۲. برازش الگوی پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

الگو	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
پیشنهادی	۴/۵۸	۱	۴/۵۸	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۶
نهایی	۴/۵۶	۲	۲/۲۸	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۵

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به‌ویژه نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی برابر ۲/۲۸ (ملاک ۲ تا ۵)، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI) برابر ۰/۹۹، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته^۲ (AGFI) برابر ۰/۹۷، شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۳ (CFI) برابر ۰/۹۹، شاخص برازندگی افزایشی^۴ (IFI) برابر ۰/۹۸، شاخص برازش هنجار شده^۵ (NFI) برابر ۰/۹۹ و ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات^۶ (RMSEA) برابر ۰/۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل نهایی از برازندگی مناسبی برخوردار است. همچنین به جز مسیر مستقیم دلبستگی اضطرابی به گذشت، ضرایب مسیر همه‌ی مسیرها موجود بین متغیرهای مدل در سطح $p < 0/05$ معنادار می‌باشند.

- 1- Goodness of Fit Index
- 2- Adjusted Goodness of Fit Index
- 3- Comparative Fit Index
- 4- Incremental Fit Index
- 5- Normalized Fit Index
- 6- Root Mean Squared Error of Approximation



شکل ۲. الگوی نهایی اثر مستقیم و غیر مستقیم دلبستگی بر گذشت

همان گونه که در مدل نهایی مشاهده می شود، دلبستگی اجتنابی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسناد علی و اسناد مسئولیت با گذشت رابطه و دلبستگی اضطرابی به صورت غیرمستقیم از طریق اسناد علی و اسناد مسئولیت با گذشت رابطه دارد. اسناد علی نیز به صورت غیرمستقیم از طریق اسناد مسئولیت باعث افزایش گذشت می شود. بنابراین همه فرضیه های پژوهش، به جز فرضیه ۱ (اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی بر گذشت) تأیید می شوند. به منظور آزمون اثرات غیرمستقیم از آزمون خود راه انداز^۱ نرم افزار AMOS/۱۸ استفاده گردید که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. اثرات غیرمستقیم دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بر گذشت از طریق اسنادهای علی و مسئولیت

مسیرها	B	β	بوت استرپ حد پایین حد بالا	سطح معنی داری
دلبستگی اضطرابی ← اسنادهای علی ← اسنادهای مسئولیت ← گذشت	-۰/۵۳	-۰/۰۸۳	-۰/۷۹ -۰/۳۲	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی ← اسنادهای علی ← اسنادهای مسئولیت ← گذشت	-۰/۵۳	-۰/۰۷۲	-۰/۰۹۶ -۰/۰۵۱	۰/۰۰۱
اسنادهای علی ← اسنادهای مسئولیت ← گذشت	۰/۶۳	۰/۲۸	۰/۳۳ ۰/۲۳	۰/۰۰۱

طبق مندرجات جدول ۳، ضرایب استاندارد مسیرهای غیرمستقیم دلبستگی اضطرابی ←

اسنادهای علی ← اسنادهای مسئولیت ← گذشت؛ دلبستگی اجتنابی ← اسنادهای علی ←

1- bootstrapping

اسنادهای مسئولیت ← گذشت و اسنادهای علی ← اسنادهای مسئولیت ← گذشت با روش بوت استرپ در سطح $p < 0/001$ معنی دار است.

بحث

پژوهش‌های دو دهه اخیر در زمینه‌ی روابط زوج‌ها شواهدی را ارائه می‌دهد که متغیرهای شناختی- اجتماعی مانند اسنادهای علی و مسئولیت (بیز و تریپ^۱، ۱۹۹۶؛ بون و سولسکای^۲، ۱۹۹۷؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر^۳، ۱۹۹۸؛ فینچام، ۲۰۰۰؛ خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹) و سبک‌های دلبستگی (گیلات و همکاران، ۲۰۰۵؛ پالیری و همکاران، ۲۰۰۵؛ ادواردز، ۲۰۰۷؛ بورنت و همکاران، ۲۰۰۹) نقش مهمی در ارتقای گذشت در روابط زوج‌ها دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی یک مدل مفهومی در مورد نقش دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و اسنادهای علی و مسئولیت بر میزان گذشت در روابط زنان و مردان متأهل بود. در این مدل فرض شد که دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسئولیت بر گذشت تأثیر دارند.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر غیرمستقیم دلبستگی اضطرابی و اجتنابی از طریق اسنادهای علی و مسئولیت بر گذشت زنان و مردان متأهل (فرضیه‌های ۳ و ۴) بود. همچنین فرض اثر مستقیم دلبستگی اجتنابی بر گذشت (فرضیه‌ی ۲) مورد تأیید قرار گرفت ولی برخلاف پیش‌بینی، فرض اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی بر گذشت (فرضیه‌ی ۱) تأیید نشد. این یافته که رابطه دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با گذشت به وسیله متغیرهای شناختی- اجتماعی مانند اسنادهای علی و مسئولیت میانجی‌گری می‌شود، هماهنگ با یافته‌های کولینز (۱۹۹۶)، کاجادوریان و همکاران (۲۰۰۴) و گرین و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد. به طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که هم اسنادهای زوج‌ها در مورد آسیب‌های وارد شده از طرف همسر و هم سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی زوج‌ها در جریان بروز رفتارها و عواطف منفی همسرانشان، بر ادراک آن‌ها برای گذشت کردن نقش مهمی دارد. بیز و تریپ

1- Bies, & Tripp

2- Boon, & Sulsky

3- Exline, & Baumeister

(۱۹۹۶)، بون و سولسکای (۱۹۹۷) و فینچام (۲۰۰۰) نشان دادند که اسناد تخطی‌های شریک به شرایط بیرونی و قضاوت در مورد آن به عنوان یک مسئله عادی، غیرعمدی و اجتناب‌ناپذیر باعث تقویت انگیزه گذشت در فرد آسیب دیده می‌شود. خجسته‌مهر و همکاران (الف ۱۳۸۹) و فینچام و همکاران (۲۰۰۲) نیز نشان دادند که اسناد مسئولیت اثر مستقیم بر گذشت دارد و همچنین اسنادهای علی و مسئولیت میانجی‌کننده اثر غیرمستقیم برخی متغیرها مانند همدلی و کیفیت زناشویی بر گذشت هستند.

داشتن یک پیوند عاطفی ایمن با همسر یکی از نیازهای اساسی هر زوج در رابطه زناشویی است. زوج‌هایی که در سبک دلبستگی اضطرابی نمره‌ی بالایی کسب می‌کنند، اضطراب و وسواس دائمی در مورد نزدیک شدن دوری یا فاصله از همسر خود را به همراه دارند. به عبارت دیگر، چنین همسرانی همواره وابستگی و محتاج بودن به همسر خود را نشان می‌دهند و همسرشان را غیرقابل اطمینان و بی‌مسئولیت می‌دانند. برعکس، اگر همسران در سبک دلبستگی اضطرابی نمره‌ی پایینی کسب کنند، نگران و وسواس بیمارگونه در مورد از دست دادن شریک خود را نخواهند داشت. در نتیجه هنگام بروز آسیب، به جای نشان دادن هیجان‌های منفی مانند خشم و نشخوار ذهنی، ارزیابی‌ها و قضاوت‌های مثبتی در مورد رفتار آسیب‌رسان خواهند داشت که باعث خواهد شد علت رخ دادن آسیب را به شرایط بیرونی و ناپایدار اسناد دهند. آشکار است که وقتی شناخت‌ها و افکار (اسنادها) فرد در جهت مثبت باشد، احتمال بروز گذشت نیز افزایش می‌یابد. همسرانی که به شکل اجتنابی دلبسته شده‌اند، از نزدیکی و صمیمیت با همسر خود می‌ترسند، خصمانه‌تر هستند و نسبت به طرد شدن از سوی همسر خود حساس‌تر هستند (کویاک و سیری، ۱۹۸۸). بنابراین زوج‌هایی که در دلبستگی اجتنابی نمره‌ی پایینی کسب کنند در روابط خود احتمالاً گذشت بیشتری را نشان می‌دهند. آن‌ها تلاش خواهند کرد که روابط صمیمانه با همسر خود را تقویت کنند و همواره به وی اعتماد خواهند کرد. تأثیر مستقیم دلبستگی اجتنابی بر گذشت، نشان دهنده‌ی اثر مهم صمیمیت و نزدیکی عاطفی زوج‌ها بر میزان گذشت در روابط آن‌هاست. از سوی دیگر، دلبستگی اجتنابی پایین می‌تواند در فرایندهای اسنادی فرد آسیب دیده نیز مؤثر باشد و باعث شود وی به آسیب به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر و غیرعمدی نگاه کند که به صورت مستقیم بر ارتقای گذشت مؤثر می‌باشد.

در همین رابطه کولینز (۱۹۹۶) اظهار می‌دارد که همسران با دلبستگی ایمن (کسانی که نسبت به صمیمیت و وابسته بودن به همسرشان احساس راحتی بیشتری دارند) تمایل دارند حوادثی را که در ارتباطات خود و همسرشان روی می‌دهد، به گونه‌ای تفسیر کنند که اثرات منفی آن حادثه را کمتر کند و باورهای مثبتی را نسبت به رفتار همسرشان نشان دهد (به نقل از کوک، ۲۰۰۶). لذا همسرانی که سبک دلبستگی ایمن دارند (دلبستگی اجتنابی پایین) به نیازهای اساسی یکدیگر از جمله صمیمیت و نزدیکی عاطفی پاسخ مناسب می‌دهند و برای حفظ و تداوم رابطه خویش تلاش بیشتری می‌کنند. در نتیجه نسبت به تخطی‌های همسر خود گذشت بیشتری را نشان می‌دهند. نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر در مورد اثر مستقیم اسناد مسئولیت بر گذشت (فرضیه ۵) و اثر غیرمستقیم اسناد علی زنان و مردان متأهل بر گذشت آن‌ها از طریق اسناد مسئولیت (فرضیه ۶) با مطالعات فینچام (۲۰۰۰)؛ مک‌کلگ و همکاران (الف، ۱۹۹۸)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۲) و مک‌کلگ و همکاران (ب، ۱۹۹۸) و خجسته‌مهر و همکاران (الف، ۱۳۸۹) هماهنگ است. تأثیر اسناد علی می‌تواند منجر به این فرایند شود که شریک خود را از وضعیت جایگاه مهار درونی در قبال مشکل پیش آمده، ثبات و پایداری رفتار نامناسب و تعمیم رفتار به همه‌ی شرایط و موقعیت‌ها رهایی بخشد و در مورد مسئولیت اعمال شریک خود نگرش‌های بهتری داشته باشد. همان‌گونه که در قبل ذکر شد همسران در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه وی را غیرعمدی، غیرخودخواهانه و بدون تقصیر جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت باعث پیشبرد گذشت در روابط زناشویی می‌شود (خجسته‌مهر و همکاران، الف، ۱۳۸۹).

مهمترین محدودیت پژوهش حاضر این است که از روابط به دست آمده بین متغیرها نمی‌توان برای استنباط روابط علی استفاده کرد. محدودیت دیگر این است که از یک سری شرایط فرضی که در آن احتمال رخ دادن آسیب وجود دارد، برای سنجش گذشت افراد استفاده شده است که نمی‌تواند میزان گذشت واقعی افراد را به صورت کامل نشان دهد. محدودیت سوم این است که مردان و زنان متأهلی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، آسیب‌های جزئی را تجربه کرده‌اند و با توجه به اینکه شدت آسیب می‌تواند گذشت افراد را تحت تأثیر قرار دهد (بون و سولسکای، ۱۹۹۷) در تعمیم این یافته به افراد آسیب دیده شدید باید احتیاط کرد. لذا انجام پژوهش در مورد پیش‌بین‌های گذشت در زوجها آسیب دیده که

استرس زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند، پیشنهاد پژوهش حاضر است.

نتیجه‌گیری

با توجه به ماهیت دلبستگی و شکل‌گیری آن در سال‌های اولیه رشد و میزان تأثیرات آن بر فرایند گذشت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای تغییر در اثرگذاری دلبستگی بر گذشت، آموزش‌های مربوط به اسنادها می‌تواند این تغییرات را تسهیل کند. بازآموزی اسنادهای زوجین باعث می‌شود که آن‌ها با مفهوم اسنادهای علی، خطاهای اسنادی و نقشی که این اسنادها و خطاهای اسنادی در روابطشان دارد، آشنا شوند و سعی کنند که از اسنادهای مثبت‌تر استفاده کنند و کمتر دچار خطاهای اسنادی بشوند. همچنین زوجین در فرایند بازآموزی با مفهوم اسناد مسئولیت، و نقش مهم این اسناد در روابطشان آشنا می‌شوند و این باعث می‌شود که آن‌ها کمتر رفتار منفی یکدیگر را عمدی تلقی کنند و در صورت بروز آسیب ناشی از سبک‌های دلبستگی، همسر خود را بیخشند.

منابع

- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). *تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه‌ها و روش‌ها*. (چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات نشر دوران.
- خجسته‌مهر، رضا. (۱۳۸۴). *بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در شهر اهواز*. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خجسته‌مهر، رضا؛ کرایبی، امین؛ رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیش‌بینی‌ها و پیامدهای گذشت در ازدواج. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۶، شماره ۱، صص. ۱۳۵-۱۶۲.

خجسته‌مهر، رضا؛ غفاری، نسرین؛ کرایبی، امین. (۱۳۸۹). اسنادهای ارتباطی به عنوان پیش‌بین قوی موقعیت زناشویی زنان. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال نهم، شماره‌ی ۳۴، صص. ۱۰۷-۱۲۴.

- Berry, J. W., Worthington, E. L., O'Connor, L. E., Parrott, L., & Wade, N. G. (2005). Forgiveness, vengeful rumination, and affective traits. *Journal of Personality*, 73 (1), 183-225.
- Bies, R. J., & Tripp, T. M. (1996). *Beyond distrust: "getting even" and the need for revenge*. In R. M., Kramer & T. R., Tyler (Eds.), *Trust in organizations: frontiers in theory and research*, (246-260). Thousand Oaks, Ca: sage.
- Boon, S. D., & Sulsky, L. M. (1997). Attributions of blame and forgiveness in romantic relationships: A policy capturing study. *Journal of Social Behavior and Personality*, 12 (1), 19-44.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: Review and critique. *Psychological Bulletin*, 107, 3-33.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). *Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview*. (In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (46-76). New York: Guilford Press.)
- Burnette, J. L., Davis, D. E., Green, J. D., Worthington, E. L., & Bradfield, E. (2009). Insecure attachment and depressive symptoms: The mediating role of rumination, empathy, and forgiveness. *Personality and Individual Differences*, 46, 276-280.
- Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 810-832.
- Cooke, K. L. (2006). Models of forgiveness and adult romantic attachment in ended relationships: forgiveness over time. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science at Virginia Commonwealth University.
- Edwards, J. K. (2007). Relationship satisfaction: The role of attachment, conflict, empathy & forgiveness. Dissertation, Purdue University.
- Enright, R. D. (2001). *Forgiveness is a choice: A step-by-step process for resolving anger and restoring hope*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Fennel, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, 15, 446-460.

- Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1992). Assessing attributions in marriage: The relationship Attribution Measure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62, 457-468.
- Fincham, F. D., Paleari, G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy. *Personal Relationships*, 9, 27-37.
- Fincham, F. D. (2000). The kiss of porcupines: From attributing responsibility for forgiving. *Personal Relationships*, 7, 1-23.
- Finkel, E. J., Rusbult, C. E., Kumashiro, M., & Hannon, P.A. (2002). Dealing with betrayal in close relationships: Does commitment promote forgiveness? *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 956-974.
- Fraley, R. C. (2005). Information on experiences in close relationships-revised (ECR-R): Adult attachment questionnaire. Available from <http://tiger.Mic.Edu/Fraley/measures/htm>.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78 (2), 650-365.
- Friesen, M. D., Fletcher, G. J. O., & Overall, N. C. (2005). A dyadic assessment of forgiveness in intimate relationships. *Personal Relationships*, 12, 61-77.
- Gillath, O., Shaver, P. R., Mikulincer, M., Nitzberg, R. E., Erez, A., & Van Ijzendoorn, M. H. (2005). Attachment, caregiving, and volunteering: Placing volunteerism in an attachment-theoretical framework. *Personal Relationships*, 12, 425-446.
- Green, J. D., Burnette, J. L., & Davis, J. L. (2008). Third-party forgiveness: (not) forgiving your close other's betrayer. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34, 407-418.
- Hazen, C., & Shaver, P. R. (1990). Love and work: An attachment-theoretical perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 270-280.
- Hong Lim, B, K. (2000). Conflict resolution styles, summarization, and marital satisfaction in Chinese couple: the moderating effect of forgiveness and willingness to seek professional help. Dissertation for degree of doctor of philosophy. Submitted to the Graduate Faculty of Texas Tech University.
- Kachadourian, L. K., Fincham, F., & Davila, J. (2004). The tendency to forgive in dating and married couples: the role of attachment and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 11, 373-393.

- Karremans, J. C., Van Lange, P. A. M., & Holland, R. W. (2005). Forgiveness and its associations with pro-social thinking, feeling, and doing beyond the relationship with the offender. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31 (10), 1315-1326.
- Kline, G. H., Julien, D., Baucom, B., Hartman, S. G., Gilbert, K., Gonzalez, T., & Markman, H. J. (2004). The Interactional Dimensions Coding System: A global system for couple interactions. In P. Kerig & D. Baucom (Eds.), *Couple observational coding systems* (113-126). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Kobak, R. R., & Sceery, A. (1988). Attachment in late adolescence: working models, affect regulation, and representations of self and others. *Child Development*, 59, 135-46.
- Krejcie, R. T., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998_a). Interpersonal forgiving on close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 586- 1603.
- McCullough, M. E., Exline, J. H., & Baumeister, R. F. (1998_b). *An annotated bibliography of research on forgiveness and related concepts*. Psychological research and theological speculations. Philadelphia: The Templeton Foundation Press.
- McCullough, M.E., Pargament, K.I. & Thoresen, C. E. (2000). *Forgiveness: Theory, Research, and Practice*. New York: Guilford Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2005). Attachment theory and emotions in close relationships: exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events. *Personal Relationships*, 12, 149-168.
- Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. D. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: a longitudinal analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 368-378.
- Rajecki, D. W., Rasmussen, J. L., & Conner, T. J. (2007). Punish and forgive: Causal attribution and positively bias in response to cat and dog misbehavior. *Society and Animals*, 15, 311-328.
- Remple, M. W. (2003). Forgiveness of others and self-forgiveness in the context of interpersonal conflict. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Psychology at University of Saskatchewan.

- Toussaint, L., & Webb, J. R. (2005). *Theoretical and empirical connections between forgiveness, mental health, and well-being*. In E. L. Worthington, Jr. (Ed.), *Handbook of forgiveness* (pp. 207–226). New York: Brunner-Routledge.
- Wenzel, M., & Okimoto, L. G. (2010). How acts of forgiveness restore a sense of justice: Addressing status/power and value concerns raised by transgressions. *European Journal of Social Psychology*, 40, 401-417.
- Worthington, E. L., Jr. (Ed.). (2005). *Handbook of forgiveness*. New York: Brunner-Routledge.